

وقایع فتنه خدای
 بر روی زمین است
 و اشاره ازین
 علم نام و دلیل است که علم است
 باطل بسیار از مقدار قهبر کرده
 در علم ازین
 و قاع فتنه خدای
 بر روی زمین است
 و اشاره ازین
 علم نام و دلیل است که علم است
 باطل بسیار از مقدار قهبر کرده
 در علم ازین

و بارها دست و دهن کشیدن را از ملا فدن ویدم رام که اگر
 باغبانان هزار جریب مجتهد جامع الشرائط می دانستند
 زیرا که باغ وقف میرفت و میوه نمی دزدید با وجود آنکه
 مواد قضیات چرا فاضل و صالح نباشم ایچن ای دانشمند کامل
 و ای متحیر فاضل ازین برهان سلم بعراج کمال معرفت رسیده
 و باین دلیل ترسی سپر خدا ترسی بر سر کشیده درین عالم عالمی بر این
 پایه و این قدر مایه نیست که مقابل مناظره و حرفت معارضه با توتوانند
 شد بر خیزد و بعالم عدم پشتاب که آنجا حقی و این نینقه انتظارت
 میکشند و چون بنا سبت جلی و جمانست طبعی بحکم انشئه
 لایق او تیلست جلیس انیس ایشان شوک و غرض
 علم نمائی اما جز ولان را یعنی شوق همراه بستا هر گاه ملزم
 بفریادت برسد زیاده حیث اوقات ست آدم بر حلق
 احوال محلات و اسواق کیفیت افعال احوال لشکر بان بیاق

با چشم پرورم دلیل نری را شکر
 ساری الا سماع در زبانیا کرده
 ندر که بر نوا و چین در وقت تا
 پیشه لک سوره شکر شکل زنی



۱۵۰
 کردن از فتنه خدای
 در نظر آید که در این عالم
 در وقت هم در هر کجا که
 معارضه کسی را بر این عالم
 معارضه خدای بر روی زمین
 در علم ازین
 از فتنه خدای
 بر روی زمین است
 و اشاره ازین
 علم نام و دلیل است که علم است
 باطل بسیار از مقدار قهبر کرده
 در علم ازین

باین

از فتنه خدای
 بر روی زمین است
 و اشاره ازین
 علم نام و دلیل است که علم است
 باطل بسیار از مقدار قهبر کرده
 در علم ازین

در قاعه نعتی از نیکو
 دست بدین مطلق
 خان آید در دست خجسته مطلق
 و بانگ نغمه در این مطلق
 در قاعه نعتی از نیکو
 دست بدین مطلق
 خان آید در دست خجسته مطلق
 و بانگ نغمه در این مطلق

شنیده ایم که بود در زمان قدیم بدولت با ذوال و ماخ منخی و شبان

قطعه در بحر رمل

قطعه در بحر رمل گفت که باب نعت است

صاف کن ای مطرب امشب اه خلق خنجره

فاعلات مکت فاعلات مکت فاعلات مکت

مجلس حسن است بر خوان با اول باداره

غیر نامق نخره است اما مان با دست

صلح با منکوه خود کرد خان مسخره

تا پسزاید سیف الله باشد یا حسن

عجل گو ساله است لیکن حش باشد خرکه

چو کان ف است و دلیه برود پالان

ساخت رخت نو درین شادی برای همیشه

هم با و بخشید هر چیزی که با یحتاج است

در قاعه نعتی از نیکو
 دست بدین مطلق
 خان آید در دست خجسته مطلق
 و بانگ نغمه در این مطلق
 در قاعه نعتی از نیکو
 دست بدین مطلق
 خان آید در دست خجسته مطلق
 و بانگ نغمه در این مطلق
 در قاعه نعتی از نیکو
 دست بدین مطلق
 خان آید در دست خجسته مطلق
 و بانگ نغمه در این مطلق

داده

و تالیف معتمدان عالی

مقودا افسار است و مخلاط و عامیته تو پرده
در ضیاءت کرد حاضر برای خوردن
روش سرگین است لیکن نور شد سرگین دره
جز به فرزند و زلفش هرگز نه بخشد در همه
پند ^{بسیار} چو چویند فتنه نقره زلف و برج ناصره جید سره
گر کسی خواهد از و چیزے بگو حاضر کند
کابتان ماشه است کلوب انبره منشارانده
هست لاف تیز فمی لالو ریش خودش ^{بغم کاف تازی و تشدید لام} مضموم و آغز بار تازی است
پس بدان منقاش مو چینه است و محلاق ^{شتره}
کاش اورا کس پرو بر قلع اندازد بزیر
جرم بینان و اساس اصل است و شرفه کنگره
قطعه ^{که او منظره و سکون}
ازین بحر هرج باغ سخن را آبیاری کن

در این معنی است که
مقودا افسار است و مخلاط و عامیته تو پرده
در ضیاءت کرد حاضر برای خوردن
روش سرگین است لیکن نور شد سرگین دره
جز به فرزند و زلفش هرگز نه بخشد در همه
پند چو چویند فتنه نقره زلف و برج ناصره جید سره
گر کسی خواهد از و چیزے بگو حاضر کند
کابتان ماشه است کلوب انبره منشارانده
هست لاف تیز فمی لالو ریش خودش مضموم و آغز بار تازی است
پس بدان منقاش مو چینه است و محلاق شتره
کاش اورا کس پرو بر قلع اندازد بزیر
جرم بینان و اساس اصل است و شرفه کنگره
قطعه که او منظره و سکون
ازین بحر هرج باغ سخن را آبیاری کن

۱۵۳

در این معنی است که
مقودا افسار است و مخلاط و عامیته تو پرده
در ضیاءت کرد حاضر برای خوردن
روش سرگین است لیکن نور شد سرگین دره
جز به فرزند و زلفش هرگز نه بخشد در همه
پند چو چویند فتنه نقره زلف و برج ناصره جید سره
گر کسی خواهد از و چیزے بگو حاضر کند
کابتان ماشه است کلوب انبره منشارانده
هست لاف تیز فمی لالو ریش خودش مضموم و آغز بار تازی است
پس بدان منقاش مو چینه است و محلاق شتره
کاش اورا کس پرو بر قلع اندازد بزیر
جرم بینان و اساس اصل است و شرفه کنگره
قطعه که او منظره و سکون
ازین بحر هرج باغ سخن را آبیاری کن

در این معنی است که
مقودا افسار است و مخلاط و عامیته تو پرده
در ضیاءت کرد حاضر برای خوردن
روش سرگین است لیکن نور شد سرگین دره
جز به فرزند و زلفش هرگز نه بخشد در همه
پند چو چویند فتنه نقره زلف و برج ناصره جید سره
گر کسی خواهد از و چیزے بگو حاضر کند
کابتان ماشه است کلوب انبره منشارانده
هست لاف تیز فمی لالو ریش خودش مضموم و آغز بار تازی است
پس بدان منقاش مو چینه است و محلاق شتره
کاش اورا کس پرو بر قلع اندازد بزیر
جرم بینان و اساس اصل است و شرفه کنگره
قطعه که او منظره و سکون
ازین بحر هرج باغ سخن را آبیاری کن

وقائع غفلت خفاصالی مع خامنه طبع

نام باطاول
سال ششمی فارسیان کتبت بود
آفتاب در برج حمل کجاست
از برج دوازدهم کاغذ چاپ

بهم اول و یکون عالی و بیاد کتبت
بمحل نام ماه دوم از کتبت کتبت
بمحل آفتاب در قوس است
بمحل غم فارسی در کتبت کتبت

در کتبت نام ماه سوم ارسال
مکرر دانست بدون آفتاب
در کتبت نام ماه سوم ارسال

که گلزار مقال از نو بهار طبع خرم شد

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

ز بار وزن این الفاظ قد خامه ام خم شد

ز فروردی چو بگذشتی مه اردیبهشت آید
بیانک

بود فصل بهار اما خزان باغ عالم شد

و گر خرد او دیر آنکه چون مراد است نمی آید
اساره سادون بهادون

ولی عمر نیست اینها جمله صرف محنت و غم شد

پس شهر لور و از مهر آبان در وی آن
نظام کار و بار خلق در بهره روم شد
چو برین جز اسفند ز دمای سبزه آید
اگر چه عمر او افزود اما عقل او کم شد
بهاکن جیت

خاتمه طبع

شهر المحمد والمته که درین ایام فرخنده فرجام و قانع نعمتی انعام

در مطبع منشی نزل کشور واقع کانپور بستر کستی عالی بناب

منشی بران ز این حد بهار که مالک مطبع ام اقباله ماه دهم سیر بار سیر

در کتبت نام ماه سوم ارسال
مکرر دانست بدون آفتاب
در کتبت نام ماه سوم ارسال
مکرر دانست بدون آفتاب
در کتبت نام ماه سوم ارسال
مکرر دانست بدون آفتاب

نام ماه سوم ارسال
مکرر دانست بدون آفتاب
در کتبت نام ماه سوم ارسال
مکرر دانست بدون آفتاب

در کتبت نام ماه سوم ارسال
مکرر دانست بدون آفتاب
در کتبت نام ماه سوم ارسال
مکرر دانست بدون آفتاب

نظم اللآلی - شرح قصیدہ مانی - فصیح میں
گاشن اسرار - تصنیف مولوی انوار علی
صاحب در علم تصوف -
شعری بیہم وصال - عرفان میں مصنف
شاعر اہل زبان ہے -

کتب مستفہرات اسلامی

ترغیب الفرقان - در فضائل قرآن
شہید محمدی - تصنیف حکیم مولوی
محمد عابد الدین احمد صاحب ساکن بیسوان
سرپاٹہ احمدی کا بیان ہے -

شعری تراویح - تصنیف نواب بہر علی خان
زائرد عوت کرنا اسلام کا قبیل قریش
کو حدیث صحیح ہے -

اسرار کر بلا - منشی محمد ظہیر الدین
خان بہادر بگرامی نے اس کتاب میں حالات
سحر کر بلا سے روایت احادیث درج کی ہیں
مہر نبوت - تصنیف نواب محمد مروا علی
خان نظام نعت میں -

رموز القرآن - اوقات وغیرہ قرآن
کے نکات کا بیان ہے -

آثار محشر - علامات و حالات قیامت
شعری میں مذکور ہیں -

تفسیر سورہ یوسف - منظوم - مشہور
استاذ کتاب ہے -

حضرت مولانا عبدالعلی سحر العلوم مرحوم بہ
شرح حامل المین ہے اور حل لغات ہر اشعار
اور تشریح مطالب کو لایق مذاق اہل طریقت
کے بیان فرمایا ہے لطف ایسا قابل دید ہے
مطالب رشیدی - مصنف حضرت شاہ
نواب در طریق مجاہدات باطنیہ -

انوار محمدی - مصنف محمد امیر اکبر آبادی
در بیان فرقہ اہل اسلام -

اخلاق ناصری - مشہور علم اخلاق کی کتاب
اخلاق محمدی - مصنف محمد علی زردانی اخلاق میں
اخلاق محسنی - مصنف ملا حسین واعظ -

مصابیح الہدایت - ترجمہ عوارف
مشہور کتاب ہے ترجمہ اسکا جناب حضرت
محمد بن الکاظمی نے لکھا ہے -

رسالہ ہدایت المؤمنین - مصنف مولوی
جامی محمد معین الدین صاحب المشہدی الکروی
مؤلفت میں -

سرور العباد - شرح قصیدہ بانہ
سعاد مولفہ حاجی عبدالحافظ محمد نذیر صاحب
مصطفیٰ آبادی -

الطوح الطیر - تصنیف شیخ فرید الدین
علاء تصوف اور وحدانیت میں -

پند نامہ - مصنف حضرت سرید الدین
عطار تصوف میں -

حلال العشاق - مصنف ذوالفقار عثمانی

مجموعات عجائب
 عجائب الخوارق و غرائب الموجودات
 بالتصویر و اشکال رنگین کا مختلف نئی نئی شکل کرکے
 سوشان تجلی علی نور کی ظاہر سے نام و کتاب ہے۔
 ایضاً - بغیر رنگ - حسب مراتب بالا۔
 مطلع العجائب - بالتصویر رنگین کا ترجمہ
 معلومات الافاق و غرائب الحقیقت کا مذکور ترجمہ
 مولوی حمدی علی خان -
 ایضاً - بغیر رنگ - حسب مراتب بالا۔
 مطلع العلوم و مجمع الفنون - نوادر کتب
 سے ہے ترجمہ منشی زین الدین -
 اعجاز محمدی - علمیات و نقوش کا مذکور
 از منشی ستیاریام -
 نقش سلیمانی - اعمال و نقوش میں غریب
 الحال کتب ہے مولفہ خواجہ اشرف علی صاحب -
 حرز سلیمانی - بہ نقش آخری ہر اعمال و نقوش
 برب ہر قسم میں مولفہ خواجہ اشرف علی صاحب -
 وہ مخزن اُردو - در مصائب شہداء کرام
 تاریخ مدینہ - ترجمہ جذب القلوب - از
 سید عبدالحق و بلوی خلف حضرت شاہ
 غلام رسول صاحب تاریخ و فضائل مدینہ منورہ و دیگر
 دیگر مقامات کے مندرج ہیں -
 تفسیر سورہ فاتحہ - تفسیر مولوی
 اکرام الدین صاحب -

عقد شریا - اعمال حب و بعض ترکات کا اور
 ایک ذخیرہ از ملا عابد حسین -
 منظر الاعمال - عملیات و تصویبات کا مذکور
 از مولوی منظر حسن -
 طلسم عجائب - ہر قسم کے نقوش و شہر نجات
 و عجائب الخلق کا مع تصاویر -
 از مولوی احمد علی -
 مجموعہ اعجاز عیسوی - مصنفہ خواجہ پور علی
 صاحب مرحوم عملیات و نقوش کا مذکور کا مذکور
 اندر جال - بہتر و شہر ہر قسم کے از منشی
 سوامی دیال -
 طلسم فرنگ - علم تسمیہ از پیرت مونی لال
 تاثیر الاظفار - خلاصہ طلسم فرنگ از ارسید
 محمد تقی صاحب -
 طلسم روحانی - تجزیہ و خواجہ مولوی حسین احمد -
 عجائبات فرنگ - حالات انگلستان
 کیفیت سفر یوسف خان کل پوشش نامی سیلج -
 گنجینہ عرفان - باندا از فراق اہل تصوف
 مصنفہ حضرت شیخ عزیز الدین علی -
 شواہد النبوت - جسمین سیر و اخلاق حضرت
 خیر البشر اور حضرت کی آل اطہار کا مذکور ہے -
 معارج النبوت - بیان احوال حضرت
 خاتم المرسلین مصنفہ ملا معین الدین کاشی -

۹۰۵۵۰۲۵۰

آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار
 لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
 صورت میں ایک آنہ جریمہ لیا جائیگا